

«حلقات»

درس ۸۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای خالق‌پور

برای فعلیت تکلیف گفتیم مرحوم نائینی، افزون بر قدرت تکوینی، عدم ابتلاء به ضد را هم شرط کرده است؛ بدین معنی که برای فعلیت تکلیف، مکلف نباید مشغول به امتثال ضد باشد و تکلیف مشروط را تکلیف ترتیبی نامیدند، به خلاف مرحوم آخوند که عدم ابتلاء را، عدم مأمور به بودن معنی کردند.

مرحوم نائینی برای بیان دیدگاه خود به سه نکته اشاره می کند. به نکات اول و دوم پرداخته شد و در این درس نکته سوم را بررسی خواهیم کرد.

النقطة الثالثة: ان التكليف بالضد الآخر اما ان يكون مشروطاً بدوره أيضاً بعدم امتثال هذا الوجوب المشروط، و اما ان يكون مطلقاً من هذه الناحية. فعلى الأول يستحيل ان يكون منافياً للوجوب في مقام التحريك بنفس البيان السابق. و على الثاني يستحيل ذلك أيضاً لأن التكليف بالضد الآخر مع فرض إطلاقه و ان كان يبعد عن امتثال الوجوب المشروط، و يصلح ان يستند إليه عدم وقوع الواجب بذلك الوجوب المشروط، و لكنه انما يبعد عن امتثال الوجوب المشروط بتقريب المكلف نحو امتثال نفسه الذي يساوق إفاء شرط الوجوب المشروط، و نفى موضوعه، و هذا يعني انه يقتضى نفى امتثال الوجوب المشروط بنفى أصل الوجوب المشروط، و إعدام شرطه لا نفيه مع حفظ الوجوب المشروط، و حفظ شرطه، و الوجوب المشروط انما يأبى عن نفى امتثال نفسه مع حفظ ذاته و شرطه و لا يأبى عن نفى ذلك بنفى ذاته و شرطه رأساً، إذ يستحيل ان يكون حافظاً لشرطه، و مقتضياً لوجوده.

و بهذا يتبرهن ان الأمرين بالضدين، إذا كان أحدهما على الأقل مشروطاً بعدم امتثال الآخر كفى ذلك في إمكان ثبوتهما معاً بدون تناف بينهما.

به بیان این مطلب می‌پردازد که ضد نیز با تکلیف ترتبی منافاتی ندارد، حتی اگر مطلق باشد.

تکلیف به ضد دو حالت دارد:

الف) ترتبی

در صورتی که تکلیف به ضد هم ترتبی باشد به این معنی که به عدم اشتغال مکلف به امثال خودش (تکلیف ترتبی اول) مشروط باشد ترتب، طرفینی خواهد شد. نتیجه ترتب طرفینی رفع تنافی از دو طرف است؛ زیرا همانطور که گفته شد ترتبی شدن یک تکلیف موجب عدم بازدارندگی از ضد می‌گردد، به این خاطر که به مقتضای ترتب، عدم اشتغال به ضد، مقدمه وجوب تکلیف می‌شود.

ب) مطلق

در این حالت، که تکلیف مشروط به عدم اشتغال به ضد نیست نیز، تنافی مرتفع است؛ زیرا تنافی امکان دارد اگر دو تکلیف فعلیت داشته باشند و یکدیگر را نفی کنند، در حالی که وقتی مکلف اشتغال به تکلیف مطلق پیدا می‌کند، شرط فعلیت تکلیف ترتبی منتفی می‌شود و در نتیجه تنها یک تکلیف فعلی باقی می‌ماند که همان تکلیف مطلق است و این به معنای از بین رفتن موضوع تنافی - که دو امر فعلی است - می‌باشد.

برای نمونه دو تکلیف صلّ و انقذ را در نظر می‌گیریم. اگر صلوٰه مشروط به عدم اشتغال به انقذ باشد، هنگامی که مکلف شروع به انقاذ غریق نمود، دیگر تکلیف صلوٰه از فعلیت می‌افتد و نمی‌تواند با تکلیف به انقاذ منافاتی داشته باشد؛ زیرا صلّ در صورتی فعلی می‌شود که مکلف اشتغال به انقاذ نداشته باشد، در نتیجه اگر دست کم یکی از دو تکلیف ترتبی باشند، تنافی از بین می‌رود.

نکته

مکلف هنگام مواجهه با دو تکلیف متضاد که دست کم یکی از آن‌ها ترتبی است سه حالت دارد:

الف) پیش از امثال

در این حالت هر دو تکلیف ترتبی و مطلق، بر مکلف فعلی هستند. تکلیف مطلق فعلی است؛ زیرا برای فعلیتش نیاز به مقدمه‌ای ندارد. تکلیف ترتبی هم فعلی است؛ زیرا فرض این است که مکلف مشغول امثال تکلیف مطلق نشده است، در نتیجه شرط فعلیت تکلیف ترتبی نیز حاصل است و تکلیف فعلی می‌شود.

ب) حین امثال

این حالت دو فرض دارد:

۱. مکلف مشغول امثال تکلیف مطلق است. در این فرض، با توجه به اشتغال مکلف به تکلیف مطلق، تکلیف ترتبی از فعلیت می‌افتد و مکلف تنها همان تکلیفی را دارد که به آن مشغول است.
 ۲. مکلف مشغول امثال تکلیف ترتبی است. در این فرض مکلف دو تکلیف فعلی دارد؛ زیرا تکلیف مطلق بر فعلیتش باقی بوده و تکلیف ترتبی هم ب‌خاطر عدم اشتغال به تکلیف مطلق، فعلی می‌شود.
- مکلف در این فرض با اشتغال به تکلیف ترتبی، برای عصیان تکلیف مطلق مستحق عقاب بوده و برای امثال تکلیف ترتبی نیز مستحق ثواب است.

ج) بعد از امثال

در این حالت تکلیفی بر عهده مکلف نیست؛ زیرا فرض تضاد هنگامی مطرح است که تنها امکان امثال یک تکلیف وجود دارد و با امثال یکی از دو تکلیف (مطلق یا ترتبی)، زمان تکلیف دیگر فوت شده و فعلیت آن در حق مکلف ممکن نیست.

۱. اگر دست کم یکی از دو ضد ترتبی شوند، منافات بین آن دو از بین می‌رود.
۲. با توجه به این که برای تحقق تضاد لازم است هر دو تکلیف فعلی باشند، عدم منافات تکلیف مطلق با ضد ترتبی اش، به دلیل عدم فعلیت تکلیف ترتبی در زمان اشتغال مکلف به تکلیف مطلق است.
۳. مکلف پیش از شروع به امثال، با دو تکلیف فعلی روبه‌رو است.
۴. هنگام امثال تکلیف مطلق، تکلیف ترتبی از فعلیت می‌افتد، اما هنگام امثال تکلیف ترتبی، تکلیف مطلق بر فعلیتش باقی است.
۵. هنگام امثال یکی از دو تکلیف، فعلیت هر دو منتفی می‌شود.